

رئیس قوه‌قضائیه:

فساد را از خطا تفکیک می‌کنیم

حجت‌الاسلام‌المسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای طی سخنانی در نشست هم‌اندیشی با اعضای مجمع کارآفرینان ایران که با حضور رئیس‌جمهور بر گزار شد، ضمن تأکید بر ضرورت حمایت همه‌جانبه حاکمیت از بخش خصوصی سالم و مولد، اظهار کرد: ما در حاکمیت باید تکلیف‌مان را با بخش خصوصی مشخص کنیم؛ باید مکرر یادآوری کنیم تولید ثروت مشروع قطعاً یک ارزش دینی است؛ اگرچه در مقطعی این مقوله،ضد ارزش تلقی می‌ش‌داما اکنون ارزشمند بودن تولید ثروت مشروع، برای همگان محرز شده است.

■ ■ ■

عراقچی:

به ترامپ اطلاعات غلط می‌دهند

وزیر امور خارجه سه‌شنبه ۲۲ مهر در واکنش به اظهارات روز گذشته رئیس‌جمهور آمریکا در کنست اسرائیل و اجلاس شرم‌الشیخ در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: آقای ترامپ‌یامی‌تواند رئیس‌جمهور صلح‌باشد یارئیس‌جمهور جنگ؛ نمی‌تواند همزمان هر دو باشد. اکنون کاملاً روشن شده رئیس‌جمهور ایالات متحده تحت تأثیر اطلاعات نادرستی قرار گرفته است که برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را در بهار اسمال در آستانه تسلیحاتی شدن قلمداد می‌کرد. این ادعا صرفاً یک دروغ بزرگ است و باید به او اطلاع داده می‌شد هیچ مدرکی در این رابطه وجود ندارد؛ همان‌طور که جامعه اطلاعاتی خود آمریکانی این موضوع را تأیید کرد. سیدعباس عراقچی با مخاطب قرار دادن دونالد ترامپ یادآوری کرد. آقای رئیس‌جمهور، زورگوی واقعی در غرب آسیا همان باز یگری است که با زندگی تلنگی خود مدت‌هاست به ایالات متحده هم زورگویی کرده و از آن بهره‌کشی می‌کند.

■ ■ ■

نیوزویک:

ایران در حال خرید بزرگ‌ترین محموله نظامی است

نیوزویک در گزارشی نوشت مطابق اسنادی که به صورت آنلاین منتشر شده‌اند، تهران قصد دارد ۴۸ فروند هواپیمای پیشرفته سوخو ۳۵ را خریداری کند. این اقدام می‌تواند نیروی هوایی ایران را به طور قابل توجهی مدرن کند و همکاری نظامی بین ایران و روسیه را تعمیق بخشد. از نظر نیوزویک، این خرید نه تنها موقعیت منطقه‌ای ایران را تقویت می‌کند، بلکه بر تعمیق روابط دفاعی بین ۲ کشور شدت تحريم‌شده نیز تأکید می‌کند. علاوه بر این، اسناد مورد اشاره نیوزویک نشان می‌دهد این خرید با بسته‌های پیشرفته جنگ الکترونیک ادغام خواهد شد.

■ ■ ■

استقبال روزنامه صهیونیستی از سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه جرزالپست، چاپ رژیم صهیونیستی، با اشاره به مقاله روزنامه جمهوری اسلامی که در آن نوشته شده بود «عملیات توفان الاقصی یک اشتباه بود» نوشت: «حتی روزنامه جمهوری اسلامی که به عنوان سخنگوی غیررسمی نظام ایران شناخته می‌شود، اعتراف کرد حمله ۷ اکتبر [توفان الاقصی] اشتباهی بود که محور مقاومت را عقب راند. تمام اینها به خاطر تصمیم‌هایی رخ داد که توسط بنیامین نتانیاهو و دولت او گرفته شد.» جرزالپست، این گزارش را در حمایت از نتانیاهو منتشر کرده است. پیش از این، تلویزیون صفانقلاب اینترنت‌نشل هم از این گزارش روزنامه جمهوری اسلامی استقبال کرده بود. این در حالی است که رهبر انقلاب بارها بر صحیح بودن این عملیات تأکید کرده‌اند و آن را در راستای «امریکادایی از منطقه» دانسته‌اند.

■ ■ ■

پاسخ ایران به ادعاهای ترامپ در کنست رژیم صهیونیستی

وزارت امور خارجه دیروز در پی اظهارات ضدایرانی ترامپ در کنست رژیم صهیونیستی با بیان اینکه آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین مولد تروریسم در جهان و حامی رژیم تروریست و نسل‌کش صهیونیستی هیچ صلاحیتی اخلاقی‌ای برای اتهام‌زنی به دیگران ندارد، اعلام کرد: مردم ایران جانیت سبعانه آمریکا در ترور شهید سلیمانی را نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند.

■ ■ ■

وبگاه آمریکایی:

حمله ایران، پناهگاه نظامی مخفی اسرائیل در قلب تل‌آویو را لود داد

یک وبگاه آمریکایی در یک گزارش تحقیقی گسترده از وجود یک پناهگاه نظامی سری رژیم صهیونیستی زیر یکی از برج‌های مسکونی در تل‌آویو پرده برداشت؛ مکانی که گمان می‌رود از اهداف موشک‌های ایران پس از حمله ۱۳ ژوئن بوده است. وبگاه آمریکایی «گری‌زون» گزارش کرد بر پایه این تحقیق، محل این تأسیسات زیرزمینی با نام «پایگاه ۸۱» شناسایی شده است؛ مرکزی برای فرماندهی و کنترل اطلاعاتی مشترک میان ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی که در زیر مجتمع مسکونی «اوانیچی» در محله‌ای پرجمعیت در مرکز تل‌آویو قرار دارد. بر اساس اسناد، ایمیل‌های درز کرده و گزارش‌های رسانه‌های صهیونیستی، این مرکز دارای الاسایون الکترومغناطیسی و تدابیر امنیتی بسیار شدید است و با حمایت مالی ایالات متحده در چارچوب طرح توسعه‌ای به وسعت حدود ۶ هزار مترمربع ساخته شده است. به گزارش گری‌زون، پس از اصابت موشک‌های ایرانی، مقامات صهیونیست بلافاصله نوار امنیتی گسترده‌ای در منطقه ایجاد کردند و خبرنگاران را از نزدیک شدن یا تصویربرداری از خسارات، به‌ویژه در اطراف مقر وزارت جنگ رژیم و مجتمع «سرنایلی» مجبور منع کردند. در گزارش ذکر شده است که «پایگاه ۸۱» به احتمال زیاد به مرکز فرماندهی قدیمی تر موسوم به «حفرة» متصل است که بعدها به مجموعه زیرزمینی پیشرفته‌تری به نام «دژ صهیون» یا Zion Fortress تبدیل شد. این افشاجاری در حالی رخ می‌دهد که رژیم صهیونیستی بارها متهم شده است تأسیسات نظامی خود را در میان مناطق غیرنظامی پنهان و در عین حال قبای خود را به استفاده از «سپر انسانی» متهم می‌کند؛ رفتاری که نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به شمار می‌آید.



مقایسه اظهارات ترامپ در ریاض و تل‌آویو؛ برای آمریکا فشار حداکثری بر ایران مهم‌تر از جنگ است

همان همیشگی!

در وهله دوم، در ریاض ناترازی‌های انرژی در ایران مانند قطع برق را به زبان آورد و در تل‌آویو از تمایل ایران برای زنده ماندن حرف زد. در نگاه او، آتش‌بس غزه نیز جزئی از کمپین فشار حداکثری علیه ایران است.

ترامپ می‌داند ایران هرگز به توافق عادی‌سازی با اسرائیل یا همان پیمان آبراهام نمی‌پیوندد و اطمینان دارد حکومت ایران تغییر نمی‌کند اما گمان می‌کند تغییر رفتار ایران می‌تواند مقدمه تغییر حکومت باشد. با این همه، ترامپ همچنان کانال‌های پشتی مذاکره را نگه داشته است و تصور می‌کند ایران تحت فشار مجبور به تسلیم می‌شود و حداقل این است که غنی‌سازی را به کلی تعطیل خواهد کرد. او می‌داند هدف‌گیری‌اش برای این منظور محال و چه بسا خوش‌بینانه است اما باید این هدف را نزدیک و شدنی و به‌ویژه فایده‌مند برای ایران نشان دهد تا زمینه تحقق آن فراهم شود. این تحقق ملزوماتی دارد: اولاً باید در ذهن تصمیم‌گیران و افکار عمومی ایرانیان، غنی‌سازی هسته‌ای، بیهوده یا پرهزینه به نظر آید. تصریح ترامپ به فهمیده بودن ایرانیان و نام بردن از اینکه در ایران مهندس و دانشمند زیاد است، به منظور القای همین ترسیم است. ثانیاً تعطیلی برنامه هسته‌ای یا توافق با



محمدرستم‌پور

کند و باورپذیری حرف‌هایش را افزایش دهد. هیچ مثالی به اندازه سخنرانی‌های ترامپ در اثبات اینکه دیپلماسی عمومی و جنگ روانی یکی شده و جنگ روانی و کنش سیاسی در صحنه بین‌الملل ۲ روی یک سکه‌اند، گویا نیست. ترامپ در سخنرانی‌اش در ریاض تلاش کرد ایران را محتاج توافقی با آمریکا تصور و البته این توافق را شدنی و قابل دسترس معرفی کند. برای آنکه چنین گزاره یا ادعایی در مخاطب اهرم پیدا کند، او از ۲ ابزار استفاده می‌کند: اولاً قدرت سیاسی و دست‌نورد مدیریت خود را بر جرسته می‌کند و ثانیاً عطف به مشکلات و مسائل رقیب کوشش می‌کند و وجهی منجی‌گرایانه به کنش سیاسی خود ببخشد. در سخنرانی‌اش در ریاض بر توسعه اقتصادی عربستان صحه گذاشت و در سخنرانی در کنست اسرائیل، جنگ غزه را پایان‌یافته دانست و تصریح کرد او به ۸ جنگ پایان داده است.

تحلیل رفتار ترامپ در نشست شرم‌الشیخ

ترامپ در شرم‌الشیخ؛ سلطه ارتباطی یا تحقیر سیاسی



حالا فقط نقش سیاهی‌لشکر را بازی می‌کنند. این نه‌تنها تحقیرآمیز است، بلکه نشان‌دهنده سبک رهبری ترامپ است که بر پایه «ارتباط یک‌طرفه» بنا شده است. او صحبت می‌کند، دیگران گوش می‌دهند. این رویکرد، در دیپلماسی سنتی که بر پایه گفت‌وگوی برابر است، مانند یک شوک عمل می‌کند (یاد تصویر درگیری او با زلنسکی بیفتید).

یکی از لحظات برجسته، رفتار ترامپ با کی‌یر استارمر بود. ترامپ او را صدا زد و استارمر فکر کرد نوبت سخنرانی‌اش است اما ترامپ فقط گفت: «خوشحالم که اینجا هستی» و او را به صندلی‌اش بازگرداند! این لحظه که در ویدئوها وایرال شد، یک مثال کلاسیک از «ارتباطات تحقیرآمیز» است.

از منظر علوم ارتباطات، این را می‌توان با مفهوم «نقض انتظارات» توضیح داد. وقتی کسی انتظاری ایجاد می‌کند و سپس آن را نقض می‌کند، طرف مقابل را در موقعیت ضعیف قرار می‌دهد. استارمر، با چهره خجالت‌زده، نمادی از این تحقیر شد. رفتار ترامپ، یادآور سبک او در برنامه‌های ویدئویی امیرحسین قیاسی یا ابوطالب حسینی است؛ جایی که با کلمات ساده، دیگران را کوچک می‌کنند. حالا به رفتار با امانوئل مکرون بپردازیم.

ترامپ دست مکرون را محکم نگه داشت و رها نکرد که این یک حرکت غیرکلامی برای نشان دادن قدرت فیزیکی است. در علوم ارتباطات، حرکات دست و تماس فیزیکی، بخشی از «ارتباطات لمسی» است

که می‌توانند پیام سلطه ارسال کنند. ترامپ مکرون را به گونه‌ای توصیف کرد که با لحنی طنزآمیز همراه بود و به نظر برخی، تحقیرآمیز آمد اما گزارش‌هایی هم هست که ترامپ به پارتیز مکرون، بریجیت، تکه‌ای جنسی انداخت. اگر چه جزئیات دقیق آن را در رسانه‌ها کمتر پوشش داده شده اما چنین رفتاری، اگر صحت داشته باشد، مرزهای ارتباطات

آمریکا باید با منافع ملی همخوان نشان داده شود. ترامپ برخلاف نتانیاهو دریافته است مقابله با ایران، به دلیل دفاع جانانه نیروهای مسلح و پایمردی مردم ایران، راهکار نظامی ندارد که اگر چنین بود، در همان جنگ ۱۲ روزه که یک بار بازی با آتش آزمون شد، کار را تمام می‌کرد. در نتیجه در پی چیزی است که شاید بتوان آن را «تزیین تسلیم» یا «بزرگ سازش» نامید. این تزیین با بزرگ، صورت به‌روز همان فشار از بالا و چانه‌زنی در پایین است اما در دور جدید فشار حداکثری، فشار باید به دلیل مقاومت حس شود و نه به دلیل ظلم آمریکایی و چانه‌زنی نیز باید کاری کاملاً عاقلانه و حساب‌شده به نظر آید. با این منطق، او تصریح می‌کند «هر وقت شما آماده باشید، ما هم آماده‌ایم».

در برابر این هیولای عملیات روانی، صرفاً کوشش رسانه‌ای، گفت‌وگو با افکار عمومی و فعالیت تبلیغی کافی نیست. ۲۴ ساعت نگذشته از سخنان ترامپ، چندین رسانه جهان در تلاش برای القای توهم «ایران ضعیف» سعی کردند آتش‌بس در غزه را نشانه شکست ایران معرفی کنند.

نتیجت گزاره «ایران ضعیف» پیش‌نیاز و مقدمه اشتباه محاسباتی دشمن شد و یک ماه نگذشته

از سخنرانی ترامپ، به حمله اسرائیل به ایران در خردادماه انجامید اما آنچه ۵ ماه پیش رخ داد، ضرورتاً یک ماه دیگر تکرار نمی‌شود. بالا گرفتن تنش در هفته پیش و تخمین‌هایی از این دست که نفتکش‌های ایرانی در پیامد فعال‌سازی مکانیسم ماشه فازسی خواهند شد، با واکنش نیروهای مسلح روبه‌رو شد؛ آزمون‌های پیدای و پنهان نظامی و بازرسی‌های هوشمند از توانمندی نیروهای دریایی و البته اظهاراتی درباره قابلیت‌هایی که ایران در جنگ خرداد رو نکرده است. تجربه تلخ جنگ نشان داد دوگانه‌سازی «جنگ – مذاکره»، یک فریب سیاسی برای غفلت از موضع و جبهه و توان است. کشمکش با گزاره «ایران ضعیف» همچنان ادامه دارد و بیش از همه عرصه‌ها باید در اقتصاد خود را نشان دهد. به‌رغم بالا بودن تاب‌آوری اقتصادی، آنچه در ماه‌های پس از جنگ، بویژه پس از فعال شدن ماشه دیده شده، تصویری از یک اقدام و برنامه متناسب با یک رویارویی اقتصادی تمام‌عیار به دست نمی‌دهد. در کوران جنگ، فارن‌افز در مطلبی که به قلم اعضای بنیاد ضدایرانی دفاع از دموکراسی نوشته شده بود، توصیه کرد برای بروز ناراضیتی باید روی موضوعات اقتصادی تمرکز جدی شود.

«راز زمیت» تحلیلگر مؤسسه مطالعات امنیت قومی برای اسرائیل اوایل مهرماه در گفت‌وگو با رسانه ضدانقلاب رادیو فردا تصریح کرد بهینه‌ترین راه‌حل یا حداکثر چیزی که نتانیاهو می‌تواند آرزو کند، تضعیف حکومت ایران تا جایی است که خود مردم ایران اعتراض و سعی کنند حکومت را از درون براندازند. از نظر او، احتمال رسیدن به هر نوع توافقی بین ایران و ایالات متحده بسیار کم است، زیرا ایرانی‌ها بعید است با غنی‌سازی صفر موافقت کنند. تصور هم نمی‌کنم آمریکایی‌ها از ایده غنی‌سازی صفر دست بردارند. با این مبنا، «جنگ – آشوب» هم دیگر دوگانه نیست و چه بسا یک پدیده باشد و هیچ مقدمه‌ای کارسازتر از خفه‌شدگی اقتصادی نمی‌تواند به بروز آن کمک کند. درست است رویارویی سخت فیزیکی وجود ندارد اما مواجهه نرم اقتصادی مهم‌ترین عنصر سازنده سایه جنگ است. گرانی بی‌ضابطه اقلام بویژه آن دسته از محصولات که به سفره مردم مربوط می‌شود، بیشتر از آنکه اعتراض‌ساز باشد، به کلافگی و آشفتگی ذهنی منتهی می‌شود و از مقاومت فعال در برابر ایده‌ها یا نظراتی که به وضوح عاقلانه نیست اما نزدیک به نظر می‌رسد، می‌کاهد.

اینجا دیگر مسأله این نیست که پیشنهاد مذاکره یا ایده دیدار در شرم‌الشیخ یا نیویورک، عاقلانه است یا خیر؛ موضوع این است که این حرف‌ها یگانه راه نزدیک و ممکن برای حل مسائل اقتصادی تصویر می‌شود. در نبود ایده‌های ایجادیی و در غیبت سیاست‌گذاری درست اقتصادی و در سایه دعواهای تکراری سیاسی برای مقصر یابی نقض برجام، ایده ترامپ فاسد منفعت‌طلب رنگ می‌گیرد و در افکار عمومی جرقه می‌زند. کوشش برای اجرای یکپارچه توافقات ایران با چین و روسیه و تلاش برای محسوس‌سازی برنامه‌هایی که به صورت مستقیم به معیشت و اقتصاد مربوط می‌شود، ۲ راهی است که روی کاغذ کمک‌کننده به نظر می‌رسد. در عمل اما باید حضور و نفوذ حکمرانی دیده شود تا اثر سخنان ترامپ کمتر شود؛ در ریاض باشد یا تل‌آویو.

است. این نظریه می‌گوید رهبرانی مانند ترامپ، با رفتارهای ناگهانی و غیرمنتظره، دیگران را در حالت دفاعی قرار می‌دهند. مثلاً تأخیر ۷ ساعته یا نگه داشتن دست مکرون، پیش‌بینی‌ناپذیر است و باعث می‌شود رقبا نتوانند استراتژی ثابتی داشته باشند. این نظریه، ریشه در روانشناسی سیاسی دارد و ترامپ آن را بخوبی به کار می‌گیرد. نتیجه؟ دیگران مجبور به واکنش می‌شوند، نه اقدام.

نظریه دیگر، «ارتباطات قدرت‌محور» است. در این دیدگاه، ارتباطات نه تنها برای انتقال اطلاعات، بلکه برای نشان دادن قدرت استفاده می‌شود. ترامپ با انحصار سخنرانی، تحقیر استارمر و رفتار با اردوغان، قدرت خودش را برجسته می‌کند. این سبک، در دیپلماسی سنتی که بر پایه احترام متقابل است، اختلال ایجاد می‌کند اما برای ترامپ که تاجر است، این مانند یک معامله است: من قوی‌ام، شما ضعیف، پس شرایط من را بپذیرید.

از منظر ارتباطات غیرکلامی، حرکات ترامپ هم قابل توجه است. مثلاً نادیده گرفتن دست سیسی برای دست دادن، یک پیام رد است. در فرهنگ‌های مختلف، دست دادن نماد برابری است و رد آن، تحقیر. ترامپ همچنین جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا را «ریا» خطاب کرد که در زمینه دیپلماتیک، می‌تواند جنسیتی تلقی شود و مرزها را بلرزاند. این رفتارها، در نهایت به توافق صلح منجر شد، با این تصویر که ترامپ تصویر صلح‌نامه را بالا گرفته است و بقیه رهبران جهان برای او فقط دست می‌زنند.

طرفداران غرب آن را «کلاسیک ترامپ» می‌دانند، یعنی نشانه قدرت اما دیگران غیرحرفه‌ای، از دیدگاه من، این سبک ارتباطی، در دنیای امروز که رسانه‌های اجتماعی همه چیز را ویرال می‌کنند، همان مدل تسلیم یا اعمال زور است که پیش‌تر در ایده‌های کیسینجر دیده شده است و ترامپ پیرو همان مدل است. شاید هم ارضای احساسات ترامپ پس از عدم دستیابی به جایزه صلح نوبل.

حالا باید به این سوال پاسخ داد: آیا باید ایران حضور ایران در این نشست، بر اساس شخصیت ترامپ، تصمیم خوبی بود. اگر ایران شرکت می‌کرد، با توجه به سابقه تنش‌ها، ترامپ ممکن بود رفتارهای تحقیرآمیزتری نشان دهد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت اظهارات مستقیم یا نادیده گرفتن نماینده ایران. این می‌توانست موقعیت ایران را ضعیف کند و به جای تمرکز روی غزه، به یک نمایش شخصی تبدیل شود.

ایران با عدم حضور، از این تله ارتباطی اجتناب و موقعیت خودش را حفظ کرد. در علوم ارتباطات، گاهی سکوت و غیبت، قدرتمندترین پیام است.